

پسدادعش و معماری تروریسم در غرب آسیا

مصطفی ساوه‌درودی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۱۰

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تحلیل تروریسم در دوران پسدادعش، استدلال خود را بر این قرار داده که تروریسم در دوران پسدادعش در منطقه غرب آسیا ناشی از برهم‌کنش منازعات مذهبی همچنان با هدف بحران‌سازی در این منطقه ادامه خواهد داشت. پژوهش حاضر تلاش دارد معماری تروریسم در دوران پسدادعش را از طریق بازخوانی مولفه‌های کلیدی در شناخت اندیشه سیاسی بر سه محور موقعیت اجتماعی، مولدان فکری و حامیان اندیشه مورد توجه قرار دهد. روش تحقیق حاضر توصیفی-تحلیلی است و ابزار گردآوری آن به شیوه کتابخانه‌ای و از طریق سندکاوی انجام شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که در دوران پسدادعش حامیان تروریسم با هدف استمرار منازعات منطقه‌ای در غرب آسیا همچنان از اندیشه داعشی در شکلی جدید استفاده نموده و تلاش برای ناامنی و بحران‌سازی در منطقه غرب آسیا را از طریق استمرار اقدامات تروریستی در همان سه محوری که برای ظهور و استمرار حضور خود در کشورهای عراق و سوریه استفاده کرده، دنبال خواهد کرد. تفاوتی که در این دوران با گذشته وجود دارد بیشتر استفاده و تاکید بر اقدام اطلاعاتی و با ساخت شبکه سلولی تروریسم به سبک القاعده در کشورهای غرب آسیا و همچنین در کشورهایی که به‌عنوان امکان مورد استفاده قرار داده، ادامه خواهد یافت.

کلیدواژه‌ها: داعش، تروریسم، ناامنی، بحران، غرب آسیا.

۱- استایار دانشگاه فارابی (رایانامه: doroudi@yahoo.com_mo)

حوزه ژئوپلیتیکی غرب آسیا، در گذر تاریخ همواره دارای موزائیک‌شکننده بوده و همین شرایط باعث شد تا این منطقه به‌عنوان یکی از مهمترین مناطق تاثیرگذار در نظم ژئوپلیتیکی نظام بین‌الملل جایگاه ویژه‌ای داشته باشد. شرایط خاص ژئوپلیتیکی، موقعیت‌های ژئوکالچری، منابع فسیلی، زایش اندیشه‌های دینی و مذهبی از جمله مهمترین دلایلی است که نگاه‌ها را به این منطقه جلب کرده که این مهم با پیروزی انقلاب اسلامی و تبعات ناشی از رواج اندیشه اسلام‌گرایی در برابر اندیشه‌های ضداستعماری و ضداستکباری، عرصه جدیدی را در سپهر نظری این منطقه حساس فراهم ساخت. نقطه کانونی این سپهر، گفتمان اسلام‌گرایی در برابر زیاده‌خواهی گفتمان استکباری بود که صحنه‌های نبرد را در عرصه میدانی از کنش‌های گفتاری به کنش‌های رفتاری کشانید و نظام سلطه با ترفند انهدام از درون، جنگ ایدئولوژیک را با عبور از میدان اندیشه به میدان عمل در قالب ساخت گروه‌های تروریستی مورد توجه قرار داد. جنگ در افغانستان شروع خوبی برای ورود به این هدف بود که با ساماندهی و ساخت گروه طالبان و در ادامه القاعده، شرایط را برای ورود به عرصه میدانی با ساخت گروه دیگری به نام داعش در تنازعات فکری-سیاسی منطقه غرب آسیا برای نظام استکباری فراهم ساخت.

واقعیت امر آن است که محور این راهبرد هموار ساختن شرایط برای حضور غرب در منطقه به بهانه مبارزه با تروریسم و استقرار نظام لیبرال دموکراسی غربی در منطقه غرب آسیا بود. ادامه این حضور نیاز به توجیه مناسبی داشت که با هدف فرو ریختن ارکان گروه تروریستی القاعده بعد از یازده سپتامبر در سال ۲۰۰۱ وارد دوران جدیدی شد که بعد از یک دهه به اصطلاح مبارزه با گروه تروریستی القاعده، در ساخت گروه داعش به منصف ظهور رسید. مهم‌ترین هدف گروه جدید که در بستر تنازعات منطقه‌ای شکل گرفت، فرو ریختن محور مقاومت و انحراف بیداری اسلامی بود که کانون اصلی اقدامات تروریستی خود را در سوریه و بلافاصله در عراق ساماندهی کرد. این اقدام که در سال ۲۰۱۱ آغاز شده بود بعد از شش سال فراز و فرود و علی‌رغم هدایت‌ها و حمایت‌های مستقیم و غیرمستقیم استکبار و برخی دولت‌های ارتجاعی منطقه با محوریت عربستان سعودی، سرانجام بعد از مبارزات سخت و نفس‌گیر میدانی با تلاش محور مقاومت و حضور نظامی و اطلاعاتی ایران در دو کشور عراق و سوریه با نابودی میدانی گروه تروریستی داعش در آبان سال ۱۳۹۶ به پایان خود رسید.

شرایط پیچیده و سیال حاکم بر منطقه غرب آسیا با رویداد یازده سپتامبر، معماری جدیدی را در مرکز ثقل تحولات منطقه‌ای ایجاد کرد که نقطه کانونی آن ساخت اندیشه تکفیری- تروریستی سلفی بود. این اندیشه که بنا به اعتراف سیاستمداران غربی و از جمله اقرار صریح و شفاف «هیلاری کلینتون»^۱ در ساخت گروه طالبان منجر به رواج گفتمان تروریسم شد که آثار و تبعات آن طی دو دهه گذشته و به‌طور مشخص بعد از شروع ناامنی در سوریه در سال ۲۰۱۱ نه‌تنها منطقه غرب آسیا، بلکه بیشتر کشورهای غربی را نیز مورد هدف قرار داد. شعارهای غرب برای مبارزه با تروریسم و ایجاد امنیت، تنها پوششی بود که نظام سلطه با استفاده از آن تلاش برای استمرار حضور خود در منطقه غرب آسیا را مورد توجه قرار داد تا از این طریق ضمن امنیت‌سازی برای رژیم اشغالگر قدس، بازیگری خود را در این منطقه به‌عنوان پلیس جهانی به منصه ظهور برساند.

علی‌رغم پایان حضور میدانی گروه‌های تکفیری- تروریستی با محوریت داعش و با توجه به تجربه سه دهه گذشته غرب در استفاده از گروه‌های تروریستی به‌نظر می‌رسد، چالش دوران پس‌دادعش، حداقل تا چند سال آینده و احتمالاً با استفاده از پس مانده‌های داعشی و سایر گروه‌های تروریستی- تکفیری در ساخت گروه جدید تروریستی در منطقه غرب آسیا با معماری جدید حداقل در سال ۱۳۹۷ ادامه یافته و تهدیدات امنیتی ناشی از جنگ ایدئولوژیکی در منطقه با داعش و یا بدون داعش با حمایت‌های پشت‌پرده غرب با محوریت آمریکا همچنان قدرت‌نمایی کند. بنابراین مسئله اصلی تحقیق واکاوی این مهم با تاکید بر آن است که داعش به‌عنوان متغیری وابسته به شرایط داخلی و خارجی منطقه غرب آسیا، چگونه تحت‌تاثیر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به‌عنوان متغیری مستقل قرار داشته و در تحولات منطقه نقش‌آفرینی می‌کند؟

اقدامات تروریستی و انتصاب آن به اسلام‌گرایان، طی چند سال گذشته تلاش محوری غرب برای مقابله و مبارزه با اندیشه‌های ناب اسلام محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بود که در ایجاد و ساخت گروه‌های تروریستی مورد توجه قرار گرفت (www.khamemei.com). این اقدام که با هدف ارایه چهره‌ای خشن از اسلام به مورد اجرا در آمده است، با شکل‌گیری کنش‌های گفتاری و رفتاری علیه اندیشه اسلامی، بحران‌سازی در منطقه غرب آسیا را تشدید نمود. تبعات حاصل از این اقدام علاوه‌بر تاثیر بر اندیشه بیداری اسلامی، منازعات کلامی و رفتاری در خور توجهی را در منطقه ایجاد نمود که تبعات حاصل از آن منجر به شکنندگی موزائیک امنیتی در غرب آسیا و در

^۱. Kalinton. H

نهایت حاشیه‌سازی امنیتی رژیم اشغالگر قدس شده است.

این اقدامات در حالی در نقشه راه سرویس‌های اطلاعاتی غرب قرار گرفته که اندیشه اسلامی از عصر پیامبر اسلام بیش از هر اندیشه دیگری امنیت و رفاه را در کانون توجه خود قرار داده و سعادت اخروی و دنیوی را در توجه به همین دو محور در پرتو عدالت در برنامه‌های خود مدنظر قرار داده است. دفاع از مستضعفین در نظر و عمل مبتنی بر اندیشه‌ها و آموزه‌های اسلامی، شجره طیبه‌ای است که نبض اندیشه اسلامی را شکل داده و استقرار عدالت را در ایجاد امنیت و معنویت‌سازی در کانون توجهات خود قرار داده است. به همین دلیل کنش گفتاری و رفتاری اسلام ناب محمدی(ص) در تلاش برای رسیدن به این هدف، ایستارهای ارزشی خود را در شکل‌دهی به این مهم دنبال می‌کند و از هرگونه اندیشه منافی با این اقدام دوری و تبری می‌جوید.

سوال اصلی تحقیق حاضر این است که معماری تروریسم در دوران پساداعش چگونه و در چه بستری شکل می‌گیرد؟ و سوالات فرعی نیز عبارت‌اند از:

- راهبردهای غرب با هدف مبارزه با تروریسم برای بحران‌سازی در منطقه غرب آسیا کدامند؟

- راهکارهای مقابله با تروریسم در دوران پساداعش چیست؟

فرضیه اصلی آن است که معماری تروریسم در دوران پساداعش در بستر تحولات منطقه‌ای و با توجه به شرایط حاکم بر این منطقه و در بستر منازعات سیاسی، اطلاعاتی و امنیتی ناشی از تحولات حاکم بر کشورهای پیرامونی ایران و به‌خصوص افغانستان شکل می‌گیرد و فرضیات فرعی نیز عبارت‌اند از:

- راهبردهای غرب در دوران پساداعش با بهره‌گیری از موقعیت اجتماعی (فرصت سیاسی)، استفاده از مولدان فکری و به‌کارگیری طبقات حامی، از طریق ساماندهی شبکه‌های سلولی ترور شکل می‌گیرد.

- راهکارهای مقابله با تروریسم در دوران پساداعش تمرکز بر اقدامات اطلاعاتی از طریق ساخت شبکه‌های اطلاعاتی و امنیتی، همدلی و همفکری اطلاعاتی، امنیتی و نظامی دستگاه‌های ذی‌ربط در داخل، ائتلاف بین سازمان‌های امنیتی محور مقاومت بوده و می‌تواند ساختارهای استحکام بخش امنیتی را در این منطقه برای مقابله با معماری تروریسم پساداعشی هموار سازد.

مبانی نظری و پیشینه‌شناسی پژوهش

داعش

داعش - جریان سلفی - تکفیری است که ریشه اولیه آن در سال ۲۰۰۳ در عراق با عنوان القاعده عراق به وجود آمد و در سال ۲۰۱۰ به عنوان دولت اسلامی عراق و شام توسط ابوبکر بغدادی اعلام موجودیت کرد و بعد از پنج سال فعالیت تروریستی سرانجام در آذر سال ۱۳۹۶ از صحنه میدانی عراق و شام حذف شد.

پسدادعش

پسدادعش را می‌توان دورانی اطلاق کرد که در آن استمرار فعالیت گروه تکفیری داعش را مورد توجه قرار می‌دهد.

معماری

معماری به مفهوم ساخت، چهارچوبی برای تبیین، هماهنگ‌سازی و هم‌سوسازی فعالیت‌های یک سامانه در جهت نیل به اهداف و راهبردهای کلان است. بار معنایی این واژه در ابتدا در علوم مهندسی ساختمان مطرح و در ادامه این مفهوم در علم مدیریت برای اولین بار در جامعه علمی آمریکا مطرح و در مراکز اجرایی این کشور با هدف افزایش بهره‌وری سازمانی به کار گرفته شد. این مفهوم به تدریج به عنوان یک علم وارد ادبیات علوم انسانی در حوزه بررسی مسایل اجتماعی - سیاسی و در نهایت امنیتی شده و با هدف انطباق‌پذیری مناسب با شرایط پیچیده محیطی و هماهنگی و هم‌سوسازی بخش‌ها و ماموریت‌ها با هدف یکپارچه‌سازی و ایجاد سازمانی یک‌دست در سطوح مختلف راهبردی، تاکتیکی و عملیاتی مورد توجه قرار گرفت.

تروریسم

خاستگاه اولیه این واژه در جریان انقلاب فرانسه رقم خورد که با هدف از بین بردن مخالفان انقلاب، اقدامات لازم برای حذف آن‌ها به کار گرفته شد. بعدها این واژه در ادبیات علوم سیاسی رایج و به صورت گسترده به منظور حذف فیزیکی مخالفان با سلاح و اقداماتی چون بمب‌گذاری به کار گرفته شد. این پدیده اکنون از جمله موضوعات مهم در عرصه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل است که در پی اوج‌گیری اعمال تروریستی در جهان، پژوهش‌ها و تحقیقات زیادی در

مورد علل و پیامدهای آن در سراسر جهان انجام گرفته که بسیاری از آن تحت‌تأثیر هیجان‌ها و انگیزه‌های مختلفی به‌وجود آمده‌اند که دیگر محدود به مرز جغرافیایی خاصی نیست.

غرب آسیا

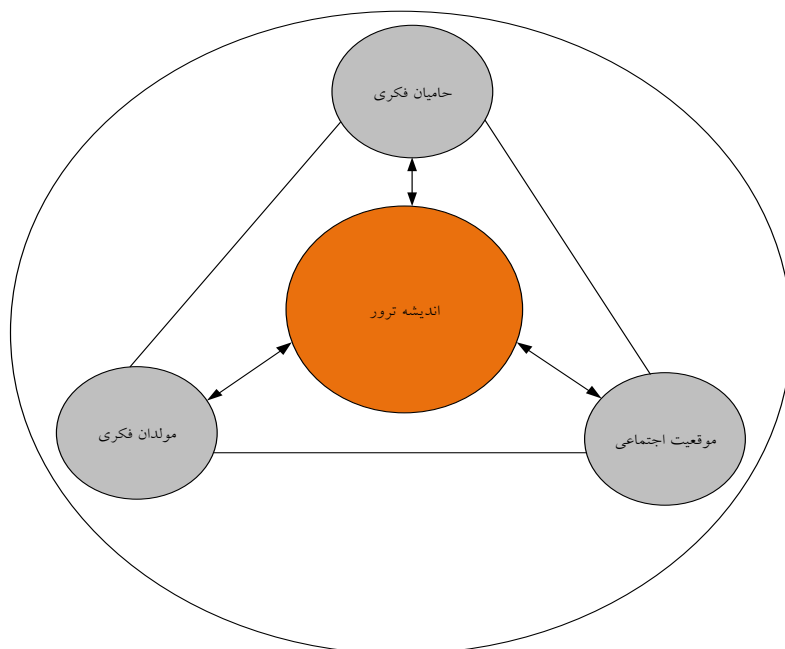
غرب آسیا منطقه‌ای از قاره آسیاست که شامل سیزده کشور ایران، عراق، عربستان، سوریه، اردن، لبنان، فلسطین، کویت، قطر، بحرین، امارات، عمان و یمن است. دو کشور پاکستان و افغانستان در شرق و مصر در غرب نزدیک‌ترین کشورهای تاثیرگذار از تحولات این منطقه هستند.

تروریسم و ساخت اندیشه

آمار اقدامات تروریستی از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۶ نشان از رشد سرسام‌آور اقدامات تروریستی در منطقه غرب آسیا دارد که بدون‌شک بدون حمایت غرب امکان این رشد فزاینده وجود نداشت. در سال ۲۰۱۰ فقط هشت کشور غرب آسیا درگیر تروریسم بودند، در حالی این تعداد در سال ۲۰۱۶ به ۱۲ کشور رسید. از ۱۱۰۷۲ مورد اقدامات تروریستی در سال ۲۰۱۶ فقط ۴۳۶۸ مورد مربوط به غرب آسیا بود (خلیلی، ۱۳۹۶: ۱۰). تخریب ارزش‌های اسلامی از طریق اسلام‌هراسی، شیعه‌هراسی و در نهایت ایران‌هراسی مرکز ثقل این معماری تروریستی بود که در نظر و عمل با ترسیم نقشه راه در اتاق‌های فکر غربی با اندیشه تروریستی و ارایه چهره‌ای خشن از اسلام به‌کار گرفته شد (www.khamemei.com). رسیدن به این هدف از طریق سه گام اساسی مورد توجه قرار گرفت. اولین گام استفاده از موقعیت اجتماعی بود که در بستر تنازعات منطقه‌ای و در پی فرصت سیاسی (Mc Adam, 1992: 32) پیش آمده در تحولات سوریه مورد توجه قرار گرفت و غرب با استفاده از موقعیت اجتماعی حاکم بر این کشور و در ادامه عراق اقدام خود را برای ساخت گروه تروریستی داعش مورد توجه قرار داد. دومین گام نیاز به مولد فکری و انتخاب فرد واجد شرایطی بود که از میان بقایای گروه القاعده انتخاب و ابوبکر بغدادی از پس‌مانده‌های گروه به اصطلاح دولت اسلامی عراق انتخاب شد. سومین گام ساماندهی طبقات حامی این گروه بود که این اقدام در بستراندیشه و با بهره‌گیری از اختلافات اندیشه مذهبی بین اهل سنت و شیعه مورد توجه قرار گرفت و در ادامه مخالفان حکومت‌های عراق و سوریه نیز به آن‌ها اضافه شدند.

این سه گام ابعاد اساسی جامعه‌شناختی است. در محور اول یعنی موقعیت اجتماعی علت اینکه چرا یک تفکر در مقطع زمانی مشخص و توسط فرد و یا گروه خاصی بسط و ارزش پیدا کرده،

مورد بررسی قرار می‌گیرد. محور دوم مولدان فکری اندیشه سیاسی هستند که اساساً با توجه به میزان رشد و نمود متفکران سیاسی در یک کشور و میزان ارتباط روشن فکران و نخبگان جامعه با اندیشمندان و صاحب‌نظران اندیشه‌های سیاسی در اقصی نقاط جهان هستی، بررسی می‌شود. محور سوم نیز حاملان اجتماعی اندیشه هستند که به‌عنوان بازوی اصلی و قدرت سخت‌افزاری عمل می‌کنند. محور بحث بر این است که چه طیف و با چه گروهی و با چه افرادی به‌عنوان حامی این اندیشه و تفکر در حمایت از آن تلاش می‌کنند (کاشی، ۱۳۸۸).
در شکل شماره ۱ چگونگی ساخت اندیشه ترور به‌صورت شماتیک ارائه می‌گردد:



شکل ۱. چگونگی ساخت اندیشه ترور

طبق شکل اندیشه تروریسم محصول کنش بین سه بعد تاثیرگذار در شکل‌گیری آن قرار دارد. اندیشه ترور در مرکز به‌عنوان خواستگاه اصلی از طریق برقراری روابط با سه بعد موقعیت اجتماعی، مولدان فکری و حاملان اندیشه در بستر جوامع اقدام خود را با رواج اندیشه سیاسی،

ساماندهی و ناامنی در جامعه شکل می‌دهد. «اسپریگنز»^۱ برای تحلیل از این موضوع از چهار محور سخن می‌گوید: مشکل‌شناسی، علت‌شناسی، آرمان‌شناسی و راه‌حل‌شناسی. در مشکل‌شناسی معتقد است شرایطی که باعث بروز این مشکل شده باید مورد توجه قرار گیرد. در علت‌شناسی به دنبال علت‌یابی این مشکل بوده و در آرمان‌شناسی به دنبال یافتن وضعیت مطلوب و در راه‌حل‌شناسی یافتن پاسخ مناسب برای آن را مورد توجه قرار می‌دهد (اسپریگنز، ۱۳۷۰: ۴۲). «اسکینر» با اشاره به شرایط حاکم بر جوامع، از روش هرمنوتیک برای فهم آن استفاده کرده و نظر خود را بر سه محور تفسیر متون تاریخی، بررسی شکل‌گیری و تحول ایدئولوژیک، تحلیل روابط ایدئولوژی با کنش سیاسی تبلور بخش آن ایدئولوژی قرار داد (احمدی، ۱۳۸۰: ۲۱).

در صحنه سیاست این موارد به‌عنوان جاذبه جذب نقش مهمی دارد که همان بازار مصرف است. این بازار به‌طور طبیعی به میدان منازعه تبدیل می‌شود. به همین دلیل در بررسی اندیشه باید روح کلام یعنی مفصل‌بندی آن را دنبال کرد. بندوبست ایدئولوژی، زیرمجموعه روح کلام است. اینکه چرا برخی از اندیشمندان در دوره زمانی مشخص موفق به جلب‌نظر افرادی به سمت خود شده و یا اینکه چرا برخی از روشن‌فکران در حوزه اندیشه موفق‌تر از سایر رقبای خود شده‌اند در همین نکته نهفته است. به‌طور مثال ابوبکر بغدادی از ورود عنصر زمان و روح در کالبد گفتار بهره گرفت یعنی یک حس خطی و درک خطی را به‌عنوان یک محرک وارد بحث کرد که چرا اهل سنت در عراق جدید جایگاهی ندارد. تولید انرژی و باور به توانایی اهل سنتی که در عراق جدید در حاشیه قرار گرفتند برای ایجاد و ساخت گروهی جدید کافی بود که بغدادی سعی کرد تا با اندیشه ضدشیعی نیروی پنهان اهل سنت را در کالبدی جدید تعریف و آن را با اقدام تروریستی علیه شیعه آزاد کند.

در واقع داعش مفصل‌بندی جدیدی را با استفاده از شرایط حاکم بر عراق و سوریه مورد توجه قرار داد که منجر به گرایش برخی از مسلمانان اروپایی به این گروه شد. نقطه کانونی و اثرگذار این اندیشه آگاهی‌بخشی در فضای مجازی بود. این آگاهی با صورتی جذاب و در عین حال کاذب باعث شد تا اندیشه‌های ایدئولوژیک گروه در قالبی فریبنده، منظومه فکری طرفداران داعش را در سبدهی قرار دهد که مرکز ثقل آن جهاد به معنای «جهادی کشته می‌شود تا بکشد» بود و این چنین بود که ترور و وحشت توأم با خشونت غیرانسانی در منطقه غرب‌آسیا شکل گرفت و اندیشه اسلام‌گرایی را در هیبت جدید با چهره‌ای خشن و با تمرکز بر شیعه هراسی رواج داد.

¹. Esprigense. T

معماری تروریسم در اندیشه داعش

(الف) موقعیت اجتماعی

اولین کنش در بررسی پدیدارشناسی اندیشه تروریسم در غرب آسیا که در قالب موقعیت اجتماعی قابل بررسی است، رویکرد تاریخی داشته و با اشغال عراق در سال ۱۳۹۱ و با اقدام نظامی آمریکا علیه این کشور رقم خورد. این مهم در پی حادثه یازده سپتامبر در سال ۲۰۰۱ و انتساب آن به گروه تروریستی القاعده، پایانی برای حکومت بعث عراق بود که آمریکا به بهانه‌های مختلف و از جمله حمایت صدام از گروه القاعده و حضور تروریست در این کشور رژیم بعث را سرنگون و عراق را اشغال کرد. موقعیت اجتماعی حادثه از اشغال عراق حضور گروه‌های وابسته به القاعده را بر اساس نظریه اشغال دارالسلام توسط دارالکفر در این کشور تشدید نمود که ثمره آن شکل‌گیری گروه تروریستی به اصلاح دولت اسلامی عراق بود که با شروع تحولات اجتماعی در سوریه در سال ۲۰۱۱ راهی این کشور شد و بعد از ۱۸ ماه در زمستان سال ۱۳۹۲ با عنوان گروه داعش در بازگشت به عراق ادعای موجودیت کرده و مدعی خلافت اسلامی شد (Bunzel, 2015:5).

دومین کنش در تقویت اندیشه تروریسم در این منطقه ناشی از کنش‌های ایدئولوژیکی و برخورد بین دو اندیشه مذهبی شیعه و سنت بود که با قدرت یافتن شیعه در عراق نمود یافت. اقدامات دولت شیعی عراق به رهبری نوری مالکی نوعی احساس در حاشیه قرار گرفتن را برای اهل سنت تقویت کرد. در فضای اجتماعی ایجاد شده، اندیشه سلفی در قالب مکتب سلفیه توسط گروه‌های تروریستی که القاعده را محور قرار داده بودند، تقویت شد و برخی از ناراضیان حاکمیت شیعی و از جمله بقایای حزب بعث با استفاده از موقعیت ایجاد شده در کنار گروه تروریستی داعش قرار گرفته و مثلث سلفی، تکفیری و بعثی را شکل دادند. هم‌زمان با این اقدام گروه‌های وابسته به القاعده در سوریه نیز با تشدید وخامت اوضاع در این کشور و ضعف دولت سوری، موفق به اشغال بیش از نیمی از خاک سوریه شدند.

سومین کنش تاثیرگذار در ایجاد موقعیت اجتماعی در دو کشور عراق و سوریه با هویت‌سازی ناسیونالیسم عربی شکل گرفت و اندیشه عرب در برابر عجم را برجسته نمود. این مهم نیاز به گفتمان‌سازی داشت که گروه تروریستی داعش به خوبی با برجسته سازی نشانه‌ها و دال‌های کلامی و فقهی با تاکید بر مکتب سلفی، نقطه کانونی اقدامات خود را غیریت‌سازی در برابر شیعه قرار داد (Jones: 2014:17) و با حاشیه‌رانی موفق به تثبیت نظام معنایی سلف براساس آموزه‌های

این تیمبه شد و اندیشه شیعه را با بحران‌سازی در مناطق اشغال شده در نظام معنایی این گفتمان به بی‌قراری کشانید و موفق به هویت‌سازی خود شد (ساوه‌درودی، ۱۳۹۵: ۲۲۰).

ب) مولدان فکری

مولدان فکری رواج یک اندیشه در پرتو تلاش فکری و سیاسی رهبران رقم می‌خورد. تمام گروه‌های تروریستی با داشتن رهبرانی متفکر و برنامه‌ریز اقدام تروریستی را انجام دادند که این مهم در مورد داعش حداقل در چند محور قابل بررسی است:

- محور اول ساخت اندیشه هویت‌ساز بود که با محور قراردادن اندیشه ابن‌تیمیه، بازگشت به سلف را تنها چاره حاکمیت اسلام در فضای ملتهب جهان اسلام و به‌خصوص سوریه و عراق اعلام کردند. داعش با برجسته‌سازی آموزه‌های متفکرینی چون سید قطب و عبدالسلام فرج، جهاد را با عنوان «فریضه غایب» به‌عنوان یکی از ارکان اساسی در اسلام با هدف رها شدن از حکومت ظالم محور قرار داده و با این شعار که مبارزه مسلحانه تنها شکل قابل‌قبول در جهاد است (دکمچیان، ۱۳۹۰: ۱۸۰)، به هویت‌سازی در فضای جدید پرداخت.

- محور دوم مظلوم‌نمایی اهل سنت در ماشین تبلیغاتی داعش بود که به واسطه دو محور اعتبار و قابلیت دسترسی در مناطق سنی‌نشین به کسب وجهه برای خود پرداخت. اگر چه جامعه هدف به کشورهای مسلمان غرب آسیا محدود می‌شد، با این وجود جمعیت بیش از یک میلیاردی اهل سنت، فضای مناسبی برای رواج اندیشه مظلومیت اهل سنت بود که با هدف اعتبارسازی مدنظر قرار گرفت. تبلیغ این اندیشه در بسیاری از کشورها که قابلیت دسترسی آن در پرتو استفاده از فضای مجازی فراهم بود که داعش به خوبی از آن استفاده کرد. در کنار این اقدام، شناسایی و جذب نیرو از طریق برپایی مراسم مذهبی به‌عنوان یکی از محورهای قابل توجه در قابلیت دسترسی از مهم‌ترین اقداماتی بود که گروه تروریستی داعش با اعزام مبلغانی به نام شیخ داعش و معلم جهاد آنان را در راستای اندیشه مظلومیت اهل سنت به‌کار گرفت (Masi:2014).

- محور سوم مشروعیت‌سازی بود، استفاده از آیات قرآن از جمله آیه ۷۲ سوره انفال، احادیث و روایاتی چون حدیث «خیر القرون» مناسب‌ترین اقدامی بود که داعش با تمسک به آن جهاد، زندگی و هجرت (نصری، ۱۳۹۶: ۷۰) را برای بازگشت به دوران سلف و ایجاد خلافت مدنظر قرار داده و به کسب مشروعیت برای اقدامات تروریستی خود پرداخت و با رواج اندیشه «جهادی باید کشته

شود تا بکشد»، موجی از حامیان خود را در قالب گروه‌های ترور ساماندهی کرد (نجف‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۱۶).

ج) حامیان اندیشه

حامیان اندیشه این بعد از اندیشه داعش را می‌توان در دو محور اصلی مورد توجه قرار داد: محور اول- بعد داخلی موضوع و ناشی از طبقات حامی اندیشه است. قدرت گروه و استحکام اندیشه منوط به نوع طبقه، استعداد آن، میزان نفوذپذیری طبقه در جامعه مورد هدف است. داعش با استفاده از موقعیت ایجاد شده در منطقه با بهره‌گیری از برخی طبقات جامعه به‌خصوص طبقات ساکن در مناطق محروم و دورافتاده که احساس محرومیت نسبی (تدگار، ۱۳۹۲: ۳۲) در آنان بیش از سایر طبقات جامعه نمود داشت، به جذب نیرو پرداخت و در عرض کمتر از دو سال موفق به تصرف مناطقی شد که حداقل دارای جمعیتی بالغ بر ۸ میلیون نفر بود (زندى، ۱۳۹۵: ۲۱۷). بیشترین افراد جذبی به داعش، جوانان رادیکال، انقلابی و معتقد به تغییر اساسی وضع جهان و نوع بشر بودند که بیشتر با رویکرد روانی و در فضای مجازی جذب گروه شدند (Barret: 2014).

محور دوم- بعد خارجی است. هدایت پشت‌پرده غرب در تاسیس و راه‌اندازی جریان جدید سلفی- تکفیری با نگاه به برخی از اظهارات متفکرین و سیاست‌مداران آمریکایی و غربی قابل توجه است:

- جیمز وولسی^۱ رئیس سابق سازمان اطلاعاتی آمریکا: در آینده، اسلامی برای مسلمانان به وجود خواهیم آورد که برای ما مناسب باشد، کاری می‌کنیم که دست به انقلاب و اعتراض بزنند و به دلیل برخی تعصبات بین آن‌ها شکاف ایجاد شود.

- هیلاری کلینتون^۲ (کتاب خاطرات): ما داعش را برای تقسیم خاورمیانه ایجاد کردیم. من به ۱۱۲ کشور سفر کردم تا نقش آمریکا و توافق با بعضی از دوستان را درباره به رسمیت شناختن دولت اسلامی بلافاصله بعد از آن توضیح دهم.

- راند پاول^۳ سناتور جمهوری‌خواه: داعش در سوریه متحد ما بود ما برای عقب‌راندن دولت سوریه به شبه‌نظامیان سلاح دادیم و مکانی امن را برای در این افراد در سوریه درست کردیم.

1. volsi.jeims

2. klinton. hilary

3. povel. rand

- مایکل فیلیپس^۱ رئیس آژانس دفاعی آمریکا: جنبش‌های تکفیری محصول تصمیم‌های آگاهانه با عزم و اراده واشنگتن بوده است.

- ریچارد دیرلاو^۲ (رئیس سابق ام آی شش): دگرذیسی در طبیعت تروریسم اتفاق افتاده که پروژه جایگزینی داعش به جای القاعده است و اگر کامل شود منافع زیادی برای غرب دارد.

- ادوارد اسنودن^۳: آمریکا، انگلیس و اسرائیل در عملیاتی به نام لانه زنبورسرخ (با هدف جمع کردن افراطی‌ها) گروه داعش را ایجاد کردند. هدف عملیات لانه زنبور، تشکیل گروهی با شعارهای اسلامی است که تندروه‌ها را از سراسر جهان جذب کند تا بر اساس اندیشه تکفیری سلاح خود را به سمت کشورهای مخالف اسرائیل نشانه بگیرند.

- روزنامه ساندی تایمز: انگلیس کمک‌های زیادی به داعش کرده است و بسیاری از حملات داعش با استفاده از این اطلاعات صورت گرفته است (ساوه‌رودی، ۱۳۹۵).

این موارد نشان از آن دارد که رویدادهایی نظیر حمله نظامی آمریکا به عراق، تقویت روند قدرت‌یابی محور مقاومت، برجسته شدن نقش بازیگران غیردولتی، برنامه هسته‌ای ایران و بیداری اسلامی در غرب آسیا و شمال آفریقا بیشترین سهم را در شکل‌دهی به سیاست‌گذاری امنیتی غرب با محوریت آمریکا داشت (malmvig, 2013: 9). آمریکا با هدف به اصطلاح مبارزه با تروریست که الگوی مدیریت بحران خود را ترسیم و بر این اساس مبادرت به یارگیری در منطقه نمود که قرارگرفتن کشورهایی مانند عربستان در کنار رژیم اشغالگر قدس محور این اقدام بود که با آمدن ترامپ تقویت شد. به هر حال کاربست الگوی مدیریت بحران که موج سواری آمریکا و برخی متحدان اصلی آن در پی داشت با گذشت چهار سال از پیدایش داعش و پنج سال از بحران سوریه و عراق در نهایت در آخرین ماه از سال ۲۰۱۷ با حذف میدانی داعش به پایان خود رسید.

عوامل تاثیرگذار در معماری تروریسم در شکل شماره ۲ ارائه می‌گردد:

1 . pilipse. maykel
2 .derlave. richard
3 .sniden.edvard



موقعیت اجتماعی	<ul style="list-style-type: none"> • کنش تاریخی • کنش ایندولوژیکی • ناسیونالیسم عربی
اندیشه هویت ساز	<ul style="list-style-type: none"> • اندیشه مظلومیت اهل سنت • مشروعیت سازی
حامیان فکری	<ul style="list-style-type: none"> • بعد داخلی • بعد خارجی

شکل ۲. عوامل تاثیرگذار در معماری تروریسم

تروریسم در دوران پسدادعش

جریان سلفی با استناد به حدیثی از پیامبر اسلام مبنی بر اینکه بهترین امت من هم نسل من و دو نسل بعد از من هستند «خیرو القرون قرنی ثم الذین یلونهم، ثم الذین یلونهم» اعلام داشتند جامعه اسلامی باید به آن دوران بازگردد تا مجد و عظمت خود را بازیابد (موثقی، ۱۳۹۲: ۳۲۱). بر همین اساس تفکر جهادی مبتنی بر اندیشه‌های رهبران سلفی از جمله ابن تیمیه، مودودی و سید قطب در این جریان به کار گرفته شد (Sivan and Zeidan: 2001: 42). در حالی که ابن تیمیه جهاد را از حج و روزه و نماز برتر دانسته و معتقد بود، جهاد از همه عبادت‌ها بالاتر و مسلمانی که در جهاد شرکت نکند، کافر است؛ مودودی رهبر جماعت اسلامی پاکستان جهاد را برای استقرار عدالت و برابری اجتماعی لازم می‌دانست. سید قطب نیز که در بین رهبران جهادی بیشتر از دیگران مطرح بوده، اعتقاد داشت مسلمان واقعی کسی است که به جهاد مشغول است. این اندیشه یا شکل‌گیری جریان طالبان، القاعده و داعش برجسته شد و این گروه‌ها با ادعای استقرار حکومت و یا خلافت اسلامی، جهاد را عنصر عملیاتی - فقهی دانسته و با این تفکر که اصلی‌ترین ابزار جهاد بدن است، شعار جهادی «کشته می‌شود تا بکشد» را محور اصلی اقدامات تروریستی خود قرار داده (نجف‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۱۶) و با شعارهایی چون «الحرب الخدعه»، و «النصر فی رعب» اقدامات نظامی خود را با شیوه‌هایی غیرانسانی اجرا کردند. این عقاید فلسفه وجودی جریان‌های تروریستی - تکفیری است (Wiktorowicz: 2006:32)؛ از این رو نمی‌توان گفت با حذف میدانی گروه تروریستی داعش و یا هم‌راهان و هم‌پیمانان این اعتقاد، جریان تروریستی به حاشیه رفته است؛ واقعیت امر آن است که نیروهای داعشی و مابقی جریان تروریست در میدان نبرد نظامی از صحنه

حذف شده‌اند، اما اندیشه تروریستی آنان همچنان وجود دارد و حذف این اندیشه به دلیل شرایط خاص منطقه غرب آسیا به‌عنوان خواستگاه جریان سلفی - تکفیری امکان‌پذیر نبوده و یا حداقل در کوتاه‌مدت به حاشیه نخواهد رفت.

به‌نظر می‌رسد در فضای جدید پساداعش منطقه غرب آسیا و پیرامون آن به‌خصوص افغانستان، پاکستان و آسیای میانه تحت‌تاثیر فرصت‌طلبی‌های جریان تکفیری - سلفی همچنان آستان حوادث و رویدادهایی باشد که منشاء آن بر پایه جنگ ایدئولوژیکی قرار دارد. موسسه مطالعات امنیتی رژیم اشغالگر قدس در نوشته‌ای به قلم «کورت و بلوم»^۱ که در کتاب راهبردهای اسرائیل در سال ۲۰۱۷ چاپ شده است، اعلام داشت: «اگر داعش حضور خود را در عراق و سوریه از دست بدهد به یک جنبش تروریستی در غرب آسیا تبدیل خواهد شد» (Kurt and Burne: 2016: 211). به هر حال این واقعیتی است که انتظار برای آن معنا ندارد و مستقیم و یا غیرمستقیم در سه محوری که در رواج اندیشه به آن اشاره شد، نمایان خواهد شد و این همان اقدامی است که در دوران پساداعش اساس معماری تروریسم فرصت‌طلب داعشی و هم‌فکران آن را رقم خواهد زد و شاید در مقام مقایسه با قبل به دلیل قرار گرفتن در تنگناهای میدانی، با شدتی بیشتر با رویکردی اطلاعاتی اقدامات خود را دنبال نماید. با عنایت به مواردی که در خصوص اندیشه تروریسم بیان شد، به‌نظر می‌رسد در دوران پساداعش سه بعد تاثیرگذار در اندیشه تروریسم در محورهای زیر شکل خواهد گرفت:

الف) موقعیت اجتماعی

نارضایتی ناشی از خرابی‌های پس از جنگ بستر مناسبی برای شکل‌گیری جریان‌های اعتراضی است. سوق دادن مشکلات موجود به سمت دولت‌های سوریه و عراق و متهم ساختن دولت‌مردان این دو کشور به ناتوانی در حل مشکلات جامعه می‌تواند بستر مناسبی برای جذب مخالفان در تشکیلات پنهان تروریستی گروه داعش باشد. حاکمیت این شرایط در واقع همان فرصت سیاسی است که داعش و سایر گروه‌های تروریستی از آن استفاده خواهد کرد. مهم‌ترین پیامد این فرصت تشکیل شبکه‌های سلولی در جریان تروریستی داعش است که با توجه به تجربه تشکیل شبکه‌های سلولی، با تشدید ناامنی داخلی، بحران‌سازی در قالبی متفاوت از قبل، اما با همان هدف به‌مورد اجرا در می‌آید.

¹ Kurt .A and Burne. S

نقطه کانونی اقدام گروه تروریستی داعش و سایر گروه‌های فرصت‌طلب تروریستی در فضای اجتماعی منطقه غرب آسیا و به خصوص کشورهای هدف مبتنی بر استفاده از فرصت سیاسی است. مک آدام^۱ به‌عنوان واضع این نظریه معتقد است فرصت سیاسی به‌عنوان یک فرآیند در سه محور ظاهر می‌شود

(۱) جنبه‌های سیاسی: بستر سیاسی در میزان دسترسی جنبش به منابع، توانایی جنبش، تاکتیک‌ها و حتی انتخاب‌های روشی و کنش‌های رفتاری آن نقش دارد. اعتراض اجتماعی نسبت به شرایط حاکم بهترین فرصت سیاسی برای گروه داعش است تا مجدد به جذب نیرو و تشکیل شبکه تروریستی بپردازد.

(۲) جنبه‌های سازمانی: این بخش معطوف به ابزارهای در دسترس گروه است. مهم‌ترین این ابزارها شبکه‌های اجتماعی، رهبران و فضای آزاد است. داعش در یکی از موفق‌ترین گروه‌هایی بود که به نحو بی‌سابقه‌ای از این فضا استفاده کرد. تصاویری از جنایت و در عین حال همراهی با مردم مناطق تحت اشغال و دلجویی از آنان، انتشار نشریات وابسته به گروه به نام دابق در سطح وسیعی از مناطق تحت اشغال و تبلیغ اندیشه معلم داعشی، مهم‌ترین روش داعش برای جذب نیرو بود (نصری، ۱۳۹۶: ۴۲). با این تجربه و ناتوانی قدرت‌های دولتی در کنترل فضای مجازی به‌نظر می‌رسد این فضا بیش از گذشته مورد استفاده جریان تروریستی داعش قرار گیرد.

(۳) جنبه‌های شناختی: همان سطح خودآگاهی معترضان است که بیشتر معطوف به ایدئولوژی گروه است. در این بخش واژه‌ها به تدریج از "من" به "ما" تبدیل می‌شود. وقتی این شرایط حاکم شد نوعی هویت جمعی شکل می‌گیرد که با گذشته افراد فرق دارد. داعش به‌عنوان گروهی اسلامی که مدعی برپایی جنبش اسلامی با هدف رسیدن به خلافت است، در تفسیر از واژه‌ها بار معنایی خود را همچنان بر پایه جنگ ایدئولوژیک و چهره منفی از شیعه و ایران مدنظر قرار خواهد داد و تلاش برای ساخت هویت جمعی برای اقدامات تروریستی را در لایه‌های اجتماع اعتراضی دنبال خواهد کرد (حشمت‌زاده و نودری، ۱۳۹۲: ۲۱۳)؛ (Mc Adam, 1999: 32).

¹. Mack.Adam

در مجموع داعش در فرصت سیاسی حادث از فضای اجتماعی منطقه غرب آسیا با به‌کارگیری هر سه مولفه به صورت ترکیبی تلاش خواهد کرد تا معماری تروریسم را بر پایه سازه‌های ایجاد شده در محیط اجتماعی جدید دنبال نموده و حضور خود را از طریق اقدامات تروریستی در این منطقه استمرار بخشد.

ب) مولدان فکری تروریسم

اعدام رهبران تکفیری مانند عبدالسلام فرج و شکری مصطفی به‌عنوان اولین عناصر جریان‌ساز تروریسم در فضای عمومی جهان عرب، تنها مسکنی بود که برای مدتی کوتاه روند حرکت تروریسم را با مشکل مواجه ساخت، اما این روند دوباره در بستر تحولات منطقه آغاز و رهبران سلفی با این شعار که جهاد مسلحانه تنها راه اجرای عدالت و استقرار خلافت و بازگشت به دوران سلف است، اقدامات ترویستی را ساماندهی کردند. ابوبکر بغدادی تنها یکی از افرادی بود که ماموریت یافت تا این اندیشه را در فضای سیاسی- اجتماعی عراق و سوریه رونق دهد. با این توصیف می‌توان انتظار داشت که مولدان فکری اندیشه سلف همچنان با استناد به اندیشه‌های رهبران سلف مانند ابن تیمیه و عبدالوهاب؛ اقدامات خود را با افرادی مانند ابوبکر بغدادی و یا با جایگزین‌های احتمالی او ادامه دهند. اگر چه ویژگی‌های شخصیتی و برجستگی‌های خاص مدیریتی و اعتقادی برای قرار گرفتن در این سمت نقش مهمی داشته و ابوبکر بغدادی از این ویژگی برخوردار بود. با این وجود افراد دیگری مانند بغدادی هستند که در این راه مورد استفاده قرار گرفته و می‌توانند در لایه‌های اجتماعی کشورهای مستعد و برخوردار از تنش‌های فرقه‌ای و مذهبی سریع به مرحله پذیرش مردمی برسند. همه این افراد تحت‌تأثیر اندیشه و اعتقادات سلفی قرار داشته و تکفیر را از طریق ساخت اقدام تروریستی مورد توجه قرار داده و بر این مبنا ساختار معرفتی خود را شکل داده و یا خواهند داد.

ج) حامیان اندیشه تروریسم

مهم‌ترین حامی جریان تروریسم در داخل مناطق بحران‌زده، طبقات ناراضی و بیشتر عشیره‌ها هستند که به دلیل قرار داشتن در تنگناهای معیشتی و اندیشه‌های ضدشيعی در کنار تروریسم باقی خواهند ماند. اما مهم‌تر از طبقات حامی داخلی، جریان‌سازی خارجی برای سوار شدن بر موج بحران‌های احتمالی ناشی از خلاء داعش است. بدون شک غرب و همراهان نظام سلطه، نقطه



کانونی حمایت از جریان تروریستی را در قالب داعش جدید و یا بدون داعش با خلق نامی جدید، اما با همان اندیشه خواهند بود. نقشه راه غرب برای رسیدن به این هدف حداقل در چند گام انجام خواهد شد.

گام اول استفاده از جهالت و بی‌بصیرتی حامیان جریان سلف به‌منظور تشدید گسل‌های اندیشه‌ای در فضای داخلی کشورهای هدف است که با استفاده از نفوذ اطلاعاتی انجام خواهد شد. **گام دوم** تشکیل جریان جدیدی است که با همان اندیشه تروریستی داعشی کار خود را با موج‌سواری و هدایت نظام سلطه دنبال خواهد کرد. جریان نوظهور تفاوتی به لحاظ کارکردی با گروه داعش نداشته و احتمالاً همان نیروهای باقی‌مانده داعش و سایر گروه‌های تروریستی خواهند بود. **گام سوم** ائتلافی از کشورهای همراه و هم‌سو با غرب است که عربستان و هم‌پیمانان این کشور در ساخت آن نقش مهمی داشته و محور ترور را در کشورهایمانند ایران، عراق و سوریه و لبنان در دستور کار قرار خواهند داد. **گام چهارم** مدیریت جریان تروریسم است که غرب با محوریت آمریکا همچنان به این بهانه که تلاش در ایجاد نظم لیبرالیستی و دموکراسی را مدنظر داشته، تلاش دارد تا نقش پلیس جهانی را در دوران پسدادعشی همچنان حفظ نماید. در این راه بسیج منابع از جمله ساخت گروه‌های حامی تروریسم، حمایت از مراکز تبلیغی سلفی- تکفیری و پشتیبانی از طریق شبکه مجازی به‌منظور تامین نیازهای جریان تروریست در منطقه و پیرامون آن از جمله افغانستان همچنان در دستور کار قرار خواهد داشت (Boghrtdt, 2014).

براساس آنچه که بیان شد، نقشه راه معماری تروریسم در دوران پسدادعش در قالب شکل زیر (نمودار شماره ۳) ارائه می‌گردد:





شکل ۳. نقشه راه معماری تروریسم در دوران پسدادش

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به روش توصیفی- تحلیلی با رویکرد کمی و کیفی (به صورت آمیخته) انجام گردیده و نتایج آن بر اساس واقعیات وضعیت تروریسم در پسدادش ارایه شد. با نگرش به اینکه نتایج تحقیق، کاربردی و تصمیم گراست، نوع پژوهش کاربردی است. داده ها در محیط نرم افزار اس.پی.اس.ای وارد و با استفاده از روش های آمار توصیفی تجزیه و تحلیل شده است.

اطلاعات این تحقیق از دو روش «میدانی» و «بررسی اسناد و مدارک (کتابخانه ای علمی و تخصصی)» گردآوری شده است. در روش کتابخانه ای، ادبیات موضوع و اطلاعات نظری مورد نیاز با جست و جوی کتابخانه ای تخصصی، اینترنتی و بانک های اطلاعاتی به دست آمده است. در روش میدانی علاوه بر مصاحبه با خبرگان، پرسشنامه ای تنظیم شد که ۱۴ پرسش بسته آن از طریق طیف لیکرت در پنج سطح طبقه بندی گردید. در طراحی پرسشنامه با روش دلفی و با استفاده از نظر صاحب نظران، استادان، متخصصان و خبرگان، راهبردهای غرب با هدف مبارزه با تروریسم و راهکارهای مقابله با تروریسم، شناسایی و سپس پرسشنامه مقدماتی تهیه و دو مرحله بین خبرگان

توزیع شد و پس از تعیین اعتبار و روایی آن، پرسشنامه نهایی تهیه گردیده است. برای تعیین روایی پرسشنامه از روش روایی محتوا و توزیع دو مرحله‌ای پرسشنامه بین صاحب‌نظران بهره‌برداری شده و برای تعیین پایایی آزمون از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است و یک نمونه اولیه شامل ۲۵ پرسشنامه بین پژوهشگران این حوزه و همچنین استادان مرتبط با موضوع از دانشگاه امام حسین (علیه‌السلام)، دانشگاه عالی دفاع ملی و دانشگاه فارابی پیش‌آزمون گردید و سپس با استفاده از داده‌های به‌دست آمده از این پرسشنامه‌ها و به کمک نرم‌افزار آماری اس.پی.اس.اس میزان ضریب اعتماد با روش آلفای کرونباخ بزرگ‌تر از ۰/۸ به‌دست آمد که از قابلیت اعتماد لازم برخوردار است.

قلمرو تحقیق از نظر زمانی، پس از خروج داعش از استان موصل از سال ۱۳۹۶ تا سال ۱۴۰۴ شمسی است. از نظر مکانی، شامل جغرافیای منطقه غرب آسیا و پیرامون است. از نظر موضوعی معماری تروریسم در پسدادعش است.

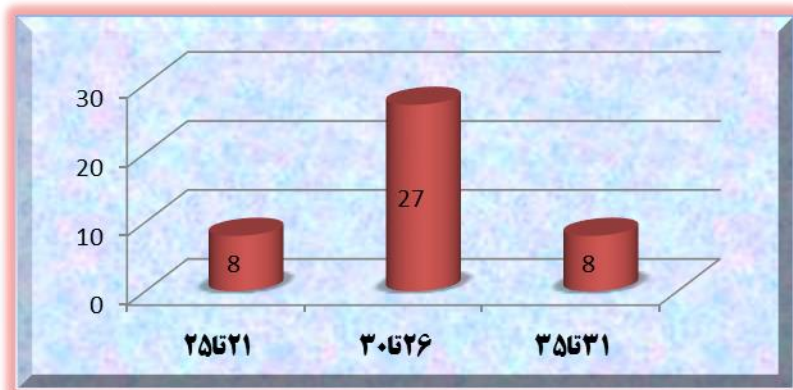
جامعه آماری شامل استادان، خبرگان، مدیران ارشد و فرماندهان مسئول، راهبردی‌پردازان نظامی ستاد کل نیروهای مسلح، آجا، سپاه و مسئولین دفاعی - امنیتی است که دارای حداقل پنج سال سابقه کار در مسائل راهبردی با داشتن جایگاه مدیریتی می‌باشند. در این پژوهش، جامعه آماری با توجه به حساسیت و خاص بودن موضوع پژوهش، بسیار محدود بوده و با توجه به نظر کارشناسان و خبرگان در مجموع ۱۲۰ نفر برآورد شده است. با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه ۴۳ نفر تعیین شده است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

با طرح دو پرسش، سعی در روایی و پایایی هر چه بیشتر پرسشنامه شده است. پرسش‌های مربوط به تعیین سنوات خدمتی پاسخ‌دهندگان، با رسم جدول و نمودار و تعیین درصد فراوانی آن به شرح زیر تجزیه و تحلیل گردیده‌اند:

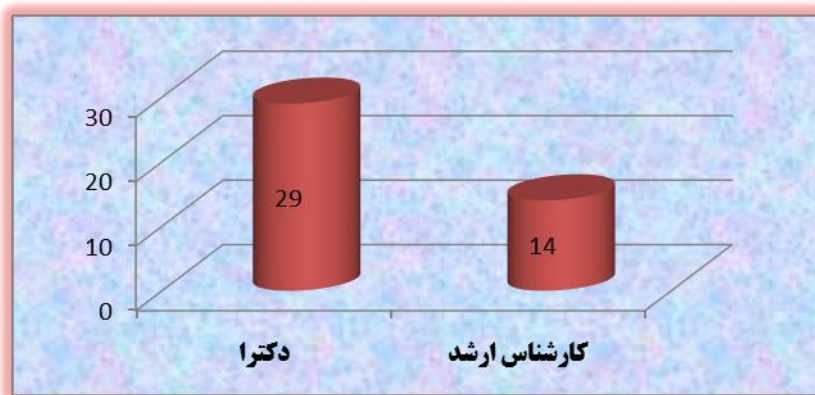
الف) تجزیه و تحلیل توصیفی

تجزیه و تحلیل توصیفی شامل سنوات خدمتی و سطح تحصیلات در نمودارهای شماره ۴ و ۵ ارائه می‌گردند:



نمودار ۴. سنوات خدمتی جامعه نمونه

یافته‌های جدول و نمودار بالا بیانگر این است که ۱۸/۶٪ درصد پاسخگویان (۸ نفر) دارای سنوات خدمتی ۲۱ الی ۲۵ سال بوده و ۶۲/۸٪ درصد آنان (۲۷ نفر) دارای سنوات خدمتی ۲۶ الی ۳۰ سال بوده و ۱۸/۶٪ درصد (۸ نفر) بالای ۳۰ سال خدمت دارند، بنابراین پاسخ‌دهندگان از تخصص و تجربه زیادی برخوردار می‌باشند و به جامعه آماری، اعتبار بالایی می‌بخشد.



نمودار ۵. سطح تحصیلات جامعه نمونه

یافته‌های نمودار بالا بیانگر این است که ۶۷/۴٪ درصد (۲۹ نفر) دارای تحصیلات دکترا و ۳۲/۶٪ درصد (۱۴ نفر) پاسخگویان دارای تحصیلات کارشناسی ارشد می‌باشند، بنابراین پاسخ‌دهندگان از تخصص و تجربه‌ی زیادی برخوردار می‌باشند و به جامعه‌ی آماری، اعتبار بالایی می‌بخشد.

ب) تجزیه و تحلیل استنباطی

به منظور تجزیه و تحلیل سوال‌های تحقیق و بر اساس پرسشنامه‌های تنظیم شده که بین جامعه نمونه توزیع گردیده و پاسخ‌های اخذ شده از آن‌ها مقادیر به دست آمده برای یافته‌ها در قالب جدول زیر درج و میانگین وضع موجود، وزن موزون و امتیاز موزون برای هر یک از سوالات به صورت جداگانه به شرح زیر محاسبه شده است:

- ۱- میانگین امتیاز هر عامل بر اساس طیف لیکرت محاسبه می‌گردد (معدل پاسخ‌های دریافتی)،
 - ۲- با استفاده از نظر خبرگی وزن هر عامل از ۱ تا ۵ مشخص می‌گردد،
 - ۳- میانگین امتیاز هر عامل بر جمع کل میانگین امتیاز تقسیم شده و وزن موزون هر عامل به دست می‌آید،
 - ۴- وزن موزون هر عامل ضربدر میانگین کل شده و امتیاز موزون هر عامل به دست می‌آید.
- جدول زیر (جدول شماره ۱) در قالب طیف لیکرت (خیلی زیاد - زیاد - متوسط - کم - خیلی کم) تنظیم شده است. یعنی عواملی که میانگین نمره ۳ به بالا (متوسط) بگیرند تأیید می‌گردند. بر اساس پرسشنامه‌های دریافتی میانگین امتیاز هر یک عوامل بیشتر از ۳ است، چون میانگین نمره پاسخ‌های دریافتی زیاد به بالاست، بنابراین عوامل زیر توسط جامعه نمونه تأیید شده است. تعداد ۱۴ سوال بسته در قالب پرسشنامه به جامعه نمونه واگذار شده که ۶ سوال آن به علت کسب نمره بالاتر از حد متوسط (۳) تأیید شده و ۸ سوال آن به علت کسب نمره کمتر از حد متوسط (۳) تأیید نشده است. در جدول زیر فقط عوامل تأیید شده تجزیه و تحلیل کمی شده است.

جدول ۱. میانگین پاسخ‌های دریافتی پیرامون معماری تروریسم در پساداعش

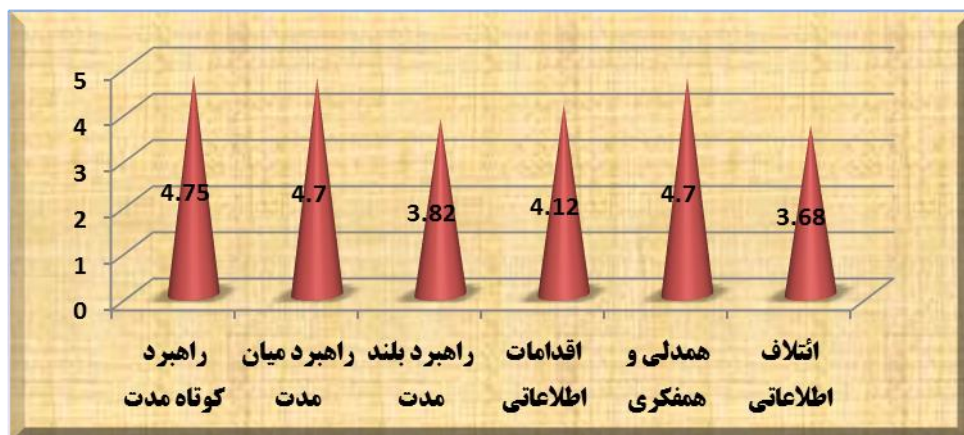
امتیاز موزون	وزن موزون	وزن	میانگین امتیاز	اقدام	راهبرد و راهکار
۱/۷۹۱	۱/۱۸۴	۵	۴/۷۵	۱- استمرار اقدامات تروریستی با پسمانده- های داعش (راهبرد کوتاه مدت)	راهبردهای غرب در بحران‌سازی تروریسم در منطقه غرب آسیا
۱/۷۸۲	۱/۱۸۲	۵	۴/۷۰	۲- ساخت جریان تروریستی جدید (راهبرد میان مدت)	
۱/۶۳۶	۱/۱۴۸	۴	۳/۸۲	۳- تلاش برای استمرار گسل ناشی از اختلافات مذهبی (راهبرد بلند مدت)	
۱/۶۸۸	۱/۱۶۰	۴	۴/۱۲	۴- تمرکز بر اقدامات اطلاعاتی	راهکارهای مبارزه
۱/۷۸۲	۱/۱۸۲	۵	۴/۷۰	۵- همدلی و همفکری	با تروریسم در
۱/۶۱۵	۱/۱۴۳	۳	۳/۶۸	۶- ائتلاف اطلاعاتی	دوران پساداعش
۴/۳	۱	۳۸	۲۵/۷۷	جمع کل	
۱/۷۱۶	۱/۱۶۶	۴/۳	۴/۳	میانگین کل	

طبق جدول راهبردهای غرب در ساخت تروریسم در منطقه غرب آسیا به ترتیب اولویت شامل:

- ۱- استمرار اقدامات تروریستی با پسمانده‌های داعش (راهبرد کوتاه مدت)،
- ۲- ساخت جریان تروریستی جدید (راهبرد میان مدت)،
- ۳- تلاش برای استمرار گسل ناشی از اختلافات مذهبی (راهبرد بلند مدت).

راهکارهای مبارزه با تروریسم در دوران پساداعش عبارتند از:

- ۱- تمرکز بر اقدامات اطلاعاتی،
- ۲- همدلی و همفکری،
- ۳- ائتلاف اطلاعاتی.



نمودار ۶. راهبردهای غرب در بحران‌سازی تروریسم در منطقه غرب آسیا و راهکارهای مبارزه با تروریسم

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

«کیسینجر» یهودی (وزیر امور خارجه آمریکا در دهه ۷۰ میلادی) در کنفرانس هرترلیا در سال ۲۰۱۶ با این عنوان که پایان حکومت داعش، خروج قدرت‌های بزرگ از منطقه و تقویت موضع ایران و حزب‌الله بدترین سناریوی پیشروی اسرائیل است (احمدی، ۱۳۹۵: ۶۸)، تهدیدات این رژیم را مورد واکاوی قرار داد و از سران این رژیم خواست به این سه موضع توجه خاصی داشته باشند. این قبیل اظهارات نشان از آن دارد که داعش متغیری وابسته به شرایط داخلی و خارجی حاکم بر منطقه غرب آسیا و به‌خصوص عراق و سوریه است. پایان این گروه در میدان عمل به منزله پایان اندیشه این گروه و حامیان آن نبوده و نخواهد بود. تروریسم در دوران پسدادعش، با داعش و یا بدون داعش در منطقه غرب آسیا و پیرامون آن همچنان قدرت‌نمایی خواهد کرد. در این راه بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به‌عنوان تاثیرگذارترین عوامل در تشدید و یا کاهش اقدامات تروریستی نقش ایفا می‌کنند.

در شرایط فعلی حذف داعش و یا پایان بحران در منطقه غرب آسیا بسیار خوشبینانه است. غرب نیازمند به مدیریت منطقه غرب آسیاست تا به این بهانه حضور خود را در منطقه موجه نشان دهد. شیوه‌هایی که با هدف بحران‌سازی و سوار شدن بر موج بحران در این منطقه به‌کارگرفته شد، همچنان نقطه کانونی خود را بر محور مقابله با تروریسم و گروه‌های افراطی و حامی تروریسم قرار داده و روندها و سناریوهای پیش‌رو نیز بر همین اساس تدوین و راهبردها را مشخص می‌کند.

رسیدن به این هدف می‌تواند در سه راهبرد کوتاه‌مدت از طریق استمرار اقدامات تروریستی، میان‌مدت با ساخت جریان تروریستی جدید و دراز مدت با استمرار گسل ناشی از اختلافات مذهبی ادامه یابد.

کوتاه مدت

- استمرار اقدامات تروریستی با پسمانده های داعش

میان مدت

- ساخت جریان تروریستی جدید

دراز مدت

- تلاش برای استمرار گسل ناشی از اختلافات مذهبی

نمودار ۷. راهبردهای مقابله با اقدامات داعش

بدون‌شک این سه راهبرد به‌طور همزمان و تلفیقی با هدف بحران‌سازی در منطقه غرب آسیا مورد استفاده قرار خواهد گرفت. اگر چه آمریکا به‌عنوان مهم‌ترین بازیگر تاثیرگذار در منطقه غرب آسیا به نوعی فرآیند دولت - ملت‌سازی در عراق را به‌عنوان الگویی موفق برای کشورهای منطقه نیز مورد توجه قرار داده است، اما به‌نظر می‌رسد این مهم در حال حاضر به دلایلی چون هزینه‌بر بودن برای آمریکا در دستور کار این کشور قرار ندارد. به هر حال مرکز ثقل اقدامات احتمالی در این منطقه همچنان بر پایه تداوم اقدامات تروریستی از طریق پس‌مانده‌های داعش و همفکران و همراهان سایر گروه‌های تروریستی همسو با داعش خواهد بود و مقابله با آن مستند به فرمایشات فرماندهی معظم کل‌قوا حضرت آیت‌الله امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) تمرکز بر حفظ انگیزه، حفظ هوشیاری، حفظ وحدت، زدودن پسماند خطرناک، کار فرهنگی بصیرت‌افزا و خلاصه آمادگی همه‌جانبه لازم و ضروری است!

مقابله این شرایط در دوران پساداعش در نگاه اول با تمرکز بر اقدامات اطلاعاتی و از طریق ساخت شبکه‌های اطلاعاتی و امنیتی با هدف کشف سرخ‌های عوامل وابسته به داعش و

۱- نامه مقام معظم فرماندهی کل قوا حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در پاسخ به نامه سردار سلیمانی در آبان ماه سال

گروه‌های وابسته به آن باید در اولویت اقدامات نهادهای اطلاعاتی، امنیتی و نظامی قرار گیرد. در این راه شایسته است همدلی و همفکری تمامی دستگاه‌های ذی‌ربط در داخل مورد توجه قرار گرفته و تبادل اطلاعات مرتبط با اقدامات احتمالی گروه‌های تروریستی که پس‌مانده‌های داعش را در خود جای داده‌اند، به‌عنوان محور اقدامات امنیتی در داخل مورد توجه قرار گیرد تا فرصت‌طلبی‌های احتمالی تروریسم را خنثی نمایند. ائتلاف بین سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی محور مقاومت نیز از دیگر اقدامات اساسی است که شایسته است توسط مبادی ذی‌ربط در کشورهای ایران و عراق و سوریه و لبنان انجام و هم‌زمان با دعوت از سایر کشورهای منطقه، ایران تلاش خود را برای تبدیل شدن به قطب مبارزه با تروریسم پسداعشی در منطقه انجام دهد. رسیدن به این شرایط در صورت باور به مباحث ارزشی و اعتقادی در بین ائتلاف‌کنندگان مقابله با تروریسم در کشورهای اسلامی امکان‌پذیر بوده و می‌تواند ساختارهای استحکام‌بخش امنیتی را در این منطقه برای مقابله با معماری تروریسم پسداعشی هموار سازد.

منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

- احمدی، وحیده (۱۳۹۵). «کنفرانس هرترلیا»، فصلنامه دیده‌بان امنیت ملی، شماره ۵۲.
- احمدی، بابک (۱۳۸۰). ساختار و هرمنوتیک، تهران: انتشارات گام نو.
- اسپریگنز، توماس (۱۳۷۰). فهم نظریه‌های سیاسی، ترجمه فرهنگ رجایی، چاپ دوم، تهران: انتشارات آگاه.
- تدگار، رابرت (۱۳۹۲). چرا انسان‌ها شورش می‌کنند، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- خلیلی، رضا (۱۳۹۶). «تحول روندها و الگوهای تروریسم در غرب آسیا»، فصلنامه برآورد، شماره ۵۱.
- دکمچیان، هرایی (۱۳۹۰). جنبش‌های اسلامی در جهان عرب، تهران: نشر گفتمان.
- ساوه‌درودی، مصطفی (۱۳۹۵). ساخت گفتمانی داعش در بحران‌سازی در داعش حقیقی و حقیقت داعش، تهران: پژوهشکده قلم.
- ساوه‌درودی، مصطفی (۱۳۹۵). «نقش غرب در شکل‌گیری جریان سلفی - تکفیری»، فصلنامه برآورد، شماره ۴۱.
- غرایق‌زندگی، داود (۱۳۹۳). «خاورمیانه: تحولات جاری و دورنمای پیش‌رو»، فصلنامه برآورد، شماره ۲۳.
- غلامرضا کاشی، محمدجواد (۱۳۸۸). جزوه دکتری رشته اندیشه سیاسی، تهران: دانشگاه طباطبایی.
- گارانت، گریس (۱۳۸۰). پست مدرنیسم، ترجمه فاطمه جلالی، تهران: نشر شیرازه.
- موثقی، احمد (۱۳۹۲). گونه‌شناسی جریان‌های فکری و جنبش‌های اسلام‌گرا، جلد اول، تهران: نشر پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- نجف‌زاده، رضا (۱۳۹۲). تحولات اسلام سیاسی رادیکال، جلد اول، تهران: نشر پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- نصری، قدیر (۱۳۹۶). «اهمیت و احکام هجرت در اندیشه داعش»، فصلنامه برآورد، شماره ۵۱.
- واعظی، محمود (۱۳۸۸). «رویکردهای سیاسی - امنیتی آمریکا در خاورمیانه»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست‌وسوم، شماره ۳.

ب) منابع انگلیسی

- Barret, Richard (2014). foreign fighter in Syria. Available at: <https://soufangroup.com/wp-content/uploads/2014/06/TSG-Foreign-Fighters-in-Syria.pdf>.
- Boghardt, Lori Plotkin (2014). "Saudi Funding of ISIS," Washington Institute, Policywatch, No.2275, Available at: www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/saudifunding-of-isis.
- Bunzel, Cole (2015). "From Paper State to Caliphate: The Ideology of the Islamic State", the Brookings Project on U.S. Relations with the Islamic World, Analysis Paper, NO. 19. Available at: <http://www.brookings.edu/~media/research/files/papers/2015/03/ideology-of-islamic-state-bunzel/the-ideology-of-the-islamic-state.pdf>.
- Jones, Seth G. (2014). A persistent threat; The evolution of al Qaeda and other Salafi Jihadists, Rand Corporation, Available at: www.rand.org/pubs/research_reports/RR637.html.
- Kurtz and Brom Shimo (2016). "Strategic survey for Israel 2016- 2017", Institute for National Security Studies.
- Malmvig, H. (2013). "Ambiguous Endings: Middle East Regional Security in the Wake of the Arab Uprisings and the Syrian Civil War, Danish Institute for International Studies", DIIS Report, No. 23.
- Wiktorowicz, Quintan (2006). Anatomy of Salafi Movement Studies in Conflict & Terrorism routledge.

Archive of SID